

## فهرست مطالب

| صفحه | عنوان  |
|------|--|
| ۱    | یادداشت مترجم  |
| ۳    | پیشگفتار   |
| ۶    | دیباچه   |
| ۱۱   | فصل اول: زمینه تاریخی فلسفه عصر رنسانس               |
| ۱۱   | میراث فلسفی عهد باستان و قرون وسطی                   |
| ۳۰   | فلسفه در زمینه عصر رنسانس                            |
| ۳۶   | اومانسیم   |
| ۴۹   | کلیسا و حکومت  |
| ۶۵   | تحول فلسفه عصر رنسانس                                |
| ۷۵   | فصل دوم: ارسطوگرایی                                  |
| ۷۵   | مکاتب ارسطویی عصر رنسانس                             |
| ۷۸   | یکپارچگی و چنددستگی در سنت ارسطویی                   |
| ۹۱   | هشت ارسطوگرای عصر رنسانس                             |
| ۱۴۷  | فصل سوم: افلاطون گرایی                               |
| ۱۴۷  | از ارسطو تا افلاطون                                  |
| ۱۶۵  | مارسیلیو فیچینو                                      |
| ۱۸۵  | جووانی پیکو و نیکولاس کوزایی                         |
| ۲۰۷  | فلسفه‌های دینی، جاویدان و افلاطونی: فرانچسکو پاتریسی |
| ۲۱۹  | فصل چهارم: رواقیان، شکاکان، اپیکوریان و سایر نوآوران |
| ۲۱۹  | اومانسیم، مرجعیت و عدم یقین                          |
| ۲۳۳  | لورنتسو والّا: زبان علیه منطق                        |

| صفحه | عنوان  |
|------|--|
| ۲۵۱  | روش ساده پتر راموس و پیشگامان آن                 |
| ۲۶۴  | بحران شکاکیت                                     |
| ۲۸۶  | رای یوستوس لپسیوس در باب قاعده اخلاقی جدید       |
| ۲۹۶  | سیاست و آشتی اخلاقی: اراسموس، مور و ماکیاوولی    |
| ۳۱۳  | فصل پنجم: طبیعت علیه مرجعیت: گسست از آثار کلاسیک |
| ۳۱۳  | کتاب دانش و کتاب طبیعت                           |
| ۳۱۸  | شورهای فلسفی جوردانو برونو                       |
| ۳۳۳  | فلسفه‌های جدید طبیعت                             |
| ۳۵۹  | فصل ششم: فلسفه عصر رنسانس و حافظه مدرن           |
| ۳۹۰  | کتابنامه   |
| ۴۳۶  | نمایه  |

## یادداشت مترجم

فلسفه عصر رنسانس اگرچه در زمره تواریخ فلسفه قرار می‌گیرد و طبعاً انتظار می‌رود اطلاعاتی کلی درباره برخی اندیشمندان و جریان‌های فکری و فلسفی در عصری خاص به دست دهد، اما سبک نگارش و شیوه ارائه مطالب به نحوی است که خواننده ارتباط مطالب، مکاتب، جریان‌ها و، خلاصه، نحوه تأثیرها و تأثرها را به طرز زنده و واضح درک می‌کند. روشن است که اشمیت و کوپنهاور تسلط چشمگیری بر حوزه پژوهشی خویش داشته‌اند، زیرا آنچه در این اثر ارائه شده نه مثنی اطلاعات تاریخی بی‌روح و گسسته، بلکه تصویری زنده و پویا از مقطعی از تاریخ اندیشه است، آن هم با چنان دامنه و گستره‌ای که نیاز خواننده عام و خاص را به یک اندازه برطرف می‌کند.

این اثر چند ویژگی مهم دارد: ویژگی نخست، نحوه ورود به بحث است. کتاب به جای آنکه مستقیماً سراغ نویسندگان عصر رنسانس برود، پس زمینه فکری و فرهنگی این عصر را ترسیم می‌کند. از این رو، فصل نخست با شرحی فشرده و بصیرت‌آمیز از زمینه قرون وسطایی اندیشه رنسانس آغاز می‌شود. سپس در همین فصل مؤلفه‌های اساسی این عصر برشمرده و در بستر تاریخی خود نشانده می‌شود. ویژگی دیگر کتاب، که ناشی از آن است که تنها دو نویسنده به نگارش آن اهتمام داشته‌اند، پیوستگی مطالب است. فصول دوم تا پنجم که به بیان مهم‌ترین جریان‌ها و اندیشمندان عصر رنسانس اختصاص دارد، به نحوی یکپارچه و منسجم نوشته شده‌اند، به طوری که خواننده به جای قطعاتی جداگانه از تاریخ اندیشه‌ها، با تصویری یگانه، همچون یک پرده بزرگ نقاشی، مواجه می‌شود. ویژگی دیگر، شیوه نویسندگان برای به پایان رساندن کتاب است. به جای رها کردن خواننده در نقطه‌ای نامعلوم و نامشخص، نویسندگان کوشیده‌اند در فصل پایانی به برخی از دیدگاه‌های متأخرین درباره اندیشه عصر رنسانس دست کم اشاره و گاه به طور تفصیلی از آن‌ها بحث کنند.

خوشبختانه در زبان فارسی آثاری ارزشمند (همچون آثار بورکهارت و کاسیرر و جز آن‌ها) در زمینهٔ عصر رنسانس در دسترس است، با وجود این، به نظر نمی‌رسد آنچه اکنون در دسترس است نیازهای علمی و پژوهشی را تمام و کمال برطرف کند. کتاب حاضر ممکن است از این حیث جای خالی تاریخ تخصصی فلسفه در عصر رنسانس را پر کند. به‌علاوه، کتابنامه‌ای که در انتها آمده است (و در متن انگلیسی بالغ بر هشتاد صفحه است) منبع بسیار مناسب و جامعی برای شناخت آثار مربوط به عصر رنسانس فراهم می‌کند.

در انتها لازم است به چند نکته دربارهٔ ترجمهٔ فارسی این اثر اشاره کنم: نخست اینکه، در ترجمهٔ عبارت‌ها، اصطلاحات و آثاری که به زبان لاتینی آمده‌اند از منابع موجود در زبان فارسی مدد گرفته‌ام، اما به‌رغم کوشش خود و کمک برخی دوستان، ممکن است لغزش‌هایی در متن دیده شود که از خوانندهٔ تیزبین و نکته‌دان انتظار می‌رود آن‌ها را گوشزد کند تا در چاپ‌های آتی تصحیح شوند. در ترجمهٔ نام‌های خاص عمدتاً به فرهنگ تلفظ نام‌های خاص تألیف فریبرز مجیدی تکیه کرده و در سایر موارد از اینترنت مدد گرفته‌ام (گو اینکه در این خصوص، به آثار موجود در زبان فارسی نیز رجوع کرده‌ام). نکتهٔ دیگر اینکه، در سرتاسر متن عبارت‌هایی به لاتینی آمده‌اند که گاه طی یک فصل و حتی فراتر از یک فصل تکرار شده‌اند و در متن فارسی عمدهٔ آن‌ها به پانویس منتقل شده‌اند تا خواننده در قرائت متن با وقفه مواجه نشود (به جز مواردی که ذکر آن‌ها در متن به‌نوعی ضرورت داشته است). عبارت‌هایی را که خود به متن افزوده‌ام داخل قلاب [ ] آورده‌ام. به‌علاوه، عبارت‌های افزودهٔ نویسنده نیز داخل قلاب آمده‌اند، اما تمامی این موارد را در پانویس مشخص کرده‌ام. پانویس‌هایی را که خود افزوده‌ام با علامت «- م.» مشخص کرده‌ام و طبعاً سایر پانویس‌ها (به جز مواردی که به صورت لاتین اسامی، اصطلاحات و آثار مربوط‌اند) از نویسنده است.

## پیشگفتار\*

فلسفه عصر رنسانس - یعنی فلسفه سده‌های پانزدهم و شانزدهم - برخلاف تحولات سیاسی و دینی، ادبیات و هنر همان دوره، و برخلاف فلسفه عهد باستان، فلسفه عصر مدرن پس از بیکن و دکارت، و حتی فلسفه قرون وسطی، تنها در صد سال اخیر یا چیزی در همین حدود موضوع مطالعه جدی تاریخی بوده است، و بیشتر تک‌نگاری‌های مبسوط و ویرایش متون تنها از پایان جنگ اول جهانی به این سو منتشر شده‌اند. مساهمت‌های تازه چنان عدیده و به وجهی چنان وسیع جسته و گریخته بوده‌اند که ضبط کتاب‌شناختی تک‌نگاری‌ها و ویراست‌های مربوط و به ویژه تحقیقات جامع یا جنبی متعلق به موضوع، به طرز روزافزون دشوار شده است. بنابراین، انتشار اخیر کتب راهنمای جامع به زبان انگلیسی علی‌الخصوص مایه مسرت است، چراکه آن‌ها درآمدها و آثاری مرجع خواهند بود چه برای محققان و غیرمتخصصان و چه برای آموزگاران و دانشجویان، علاقه به این حوزه را زنده نگاه خواهند داشت، اطلاعات موجود را به سهولت در دسترس قرار خواهند داد و همچنین پژوهش بیشتر در مورد مؤلفان، مسائل و پیوندهایشان را که تا کنون تجسس نشده بر جای مانده‌اند بر خواهند انگیخت.

کتاب‌هایی که مد نظر دارم عبارت‌اند از: *اومانیزم عصر رنسانس*<sup>۱</sup> به قلم آرتور ریبل<sup>۲</sup>، *تاریخ فلسفه عصر رنسانس کمبریج*<sup>۳</sup> و *ویراسته چارلز بی. اشمیت*<sup>۴</sup> فقید، *کوئنتین اسکینر*، *اکهارت کسلر*، *جیل کرای*<sup>۵</sup>، و کتاب حاضر - که چارلز بی. اشمیت آن را آغاز کرد و بر این پی. کوپنهاور به پایانش رساند. این سه اثر جملگی از حیث دامنه و محتوا متفاوت‌اند و از این رو، بدون ملحق شدن به یکدیگر کامل نمی‌شوند. ریبل خود را به *اومانیزم عصر رنسانس*

---

\* به قلم پل اسکار کریستلر.

1. *Renaissance Humanism*
2. Arthur Rabil
3. *The Cambridge History of Renaissance Philosophy* (Cambridge University Press, 1988).
4. Charles B. Schmitt
5. Quentin Skinner, Eckhard Kessler, Jill Krayer

محدود می‌کند، جنبشی که افاداتی مهم و غیر مستقیم در اندیشه عصر رنسانس و به ویژه در فلسفه اخلاق این جنبش داشت، اما این جنبش فقط یک بخش از فلسفه عصر رنسانس را تشکیل می‌دهد و، از سوی دیگر، مشتمل بر موضوعات فراوانی است که حتی وقتی از جنبه‌ای وسیع در نظر گرفته می‌شوند خارج از حوزه فلسفه قرار می‌گیرند، موضوعاتی نظیر بلاغت و تاریخ‌نگاری، شعر، مطالعات دستور زبان و مطالعات کلاسیک. در سوی مقابل، تاریخ کمبریج کلیه حوزه‌های فلسفه عصر رنسانس را پوشش می‌دهد، اما به فصل‌هایی تقسیم شده است که حاصل کار شماری از محققان‌اند. این فصل‌ها رشته‌های فلسفی بنیادینی چون منطق و فلسفه طبیعی را به طور جداگانه پوشش می‌دهند و خود کتاب حاوی مقدمه‌ای پرمایه و کتابنامه‌ای جامع است. مجلد حاضر از جنبه‌ای متفاوت در نظر گرفته شده و در خدمت مقصود متفاوتی است. این اثر برای کسانی که با تاریخ کمبریج آشنا هستند مفید خواهد بود، اما خوانندگان افزون‌تر را نیز مجذوب خواهد ساخت. نیز بسیار موجزتر و لذا برای خوانش پیوسته مناسب‌تر است، هرچند می‌توان از آن به عنوان کتابی مرجع سود جست. نگارش آن فقط بر عهده دو مؤلف بوده است و بنابراین، از لحاظ درک و محتوا یکپارچه‌تر است و مطابق با مکاتب عمده فلسفه عصر رنسانس نظیر ارسطوگرایی، افلاطون‌گرایی، مکتب رواقی، مکتب اپیکوری، شکاکیت و فلسفه طبیعت مرتب شده است و بحث تک‌نگارانه مختصری درباره کلیه متفکران بزرگ این عصر، از جمله پومپوناتسی<sup>۱</sup> و دزبارلا<sup>۲</sup>، کوسانوس<sup>۳</sup>، فیچینو<sup>۴</sup>، پیکو<sup>۵</sup> و پاتریسی<sup>۶</sup>، و آلا<sup>۷</sup>، راموس<sup>۸</sup>، مونتینی<sup>۹</sup> و لیپسیوس<sup>۱۰</sup>، کاردانو<sup>۱۱</sup>، تِلزیو<sup>۱۲</sup>، برونو<sup>۱۳</sup> و کامپانلا<sup>۱۴</sup>، مور<sup>۱۵</sup> و ماکیاوولی<sup>۱۶</sup> به دست می‌دهد. در مقدمه‌ای بنیادین درباره بستر و زمینه عصر باستان، قرون وسطی و عصر رنسانس بحث می‌شود و اومانیسم و پس‌زمینه سیاسی و دینی آن مورد ملاحظه

1. Pomponazzi
2. [Jacopo] Zabarella
3. Cusanus
4. Ficino
5. Pico
6. Patrizi
7. Valla
8. Ramus
9. Montaigne
10. Lipsius
11. Cardano
12. Telesio
13. Bruno
14. Campanella
15. More
16. Machiavelli

قرار می‌گیرد. فصل پایانی، فلسفه عصر رنسانس را به اندیشه مدرن و معاصر می‌پیوندد و این موضوع مورد علاقه ویژه دانشجویان فلسفه خواهد بود که بسیاری از آن‌ها از تاریخ فلسفه غفلت می‌ورزند یا آن را به عنوان امری نامربوط کنار می‌گذارند.

به عقیده من، این مجلد جالب‌ترین و روشنگرترین و قابل اعتمادترین مجلد است. من این کتاب را به عنوان بحثی متوازن، مختصر و خوش‌تألیف درباره موضوعی دشوار و پیچیده بسیار ارج می‌نهم و امیدوارم بیشتر خوانندگان در این باب با من هم‌عقیده باشند. همچنین مایلم به براین کوپنهاور تبریک بگویم که به طرز دقیق و موفقیت‌آمیز نیات چارلز اشمیت را به تحقق رسانده و بینش‌های ارزنده فراوانی نیز از جانب خویش به کار افزوده است.

دانشگاه کلمبیا، نیویورک

نوامبر ۱۹۹۰

## دیباچه

هر که این بخت نیک را داشته که چارلز اشمیت را بشناسد، با او تحصیل کند، یا کتاب‌ها و مقالات متعدد او را بخواند، خواهد دانست که چقدر بهتر می‌بود اگر محققى چنین عالم و خلاق زنده می‌ماند تا این تاریخ فلسفه را به پایان برساند. مجلد حاضر (سواى یادداشت‌ها و کتابنامه) مشتمل بر حدود ۱۱۷ هزار کلمه است. چارلز پیش‌نویسى در تقریباً ۴۰ هزار کلمه به جا گذاشت که شاید یک پنجم آن در مرحله بازنویسى کنار گذاشته شد. چارچوب کتاب ایده‌آه او بود - شش فصل که کمابیش با فصل‌هایی که در پی می‌آیند متناظرند. دو فصل نخست بیش از چهار فصل آخر دربرگیرنده نوشته‌های او، تا حد جمله، هستند. در چهار فصل آخر حضور او را بیشتر در ساختار گسترده‌تر فصل‌ها می‌توان مشاهده کرد تا در جملاتشان. کل متن حاضر تعمیم‌پر دامنه ماترک اوست. فصل نخست پیش‌نویس او فاقد بخشی در باب کلیسا و دولت بود. در فصل دوم بخش‌های مربوط به تراپزونتیوس<sup>۱</sup>، لوفور<sup>۲</sup>، میر<sup>۳</sup> و ویتوریا<sup>۴</sup> مطالبی هستند که ما افزوده‌ایم. فصل‌های سوم، چهارم و پنجم بسیار حجیم‌تر از بخش‌های متناظر با آنها در دست‌نویس مزبور هستند: ۲۲ هزار کلمه پیش‌نویس چارلز در این سه فصل به ۶۶ هزار کلمه افزایش یافتند. چارلز برای فصل ششم فقط یک عنوان به جا گذاشت که اندکی با عنوان فعلی متفاوت بود.

دیدگاه‌های چارلز در باب مسائل عمده‌تر مربوط به این مجلد از نظر بسیاری از خوانندگان پنهان نخواهند ماند و من کوشیده‌ام آراء او را حتی در مواردی که آراء خودم با آنها متفاوت اند حفظ کنم. اندیشه ارسطویی و شکاکانه در کتاب حاضر به این دلیل برجسته و مهم است که چارلز به درستی باور داشت دین فلسفه اوایل عصر مدرن به این اندیشه‌ها بیش از

- 
1. Trapezuntius
  2. Lefèvre
  3. Mair
  4. Vitoria



آن چیزی بوده است که مفسران پیشین قبول داشته‌اند. شماری از موضوعات و شخصیت‌ها که او در زمینه آن‌ها متخصص بود در این تاریخ فلسفه تأکید شده‌اند: اهمیت فلسفه طبیعی؛ نقش تعلیم و تربیت دانشگاهی؛ سیر و تحول سنت کتاب درسی؛ احیای شارحان مشائی باستانی و تداوم تأثیر ابن‌رشد؛<sup>۱</sup> جایگاه سیسرون<sup>۲</sup> در میان صاحب‌نظران<sup>۳</sup> باستانی یا جایگاه پیکوی جوان در میان اندیشمندان عصر رنسانس. این‌ها و شمار زیادی از سایر واقعیات و تفاسیر در زمره افادات ویژه او در تاریخ فلسفه بودند و آن‌ها را می‌توان در آنچه در پی می‌آید به عینه مشاهده کرد. با این حال، چون او به دلیل مرگ زودهنگام در آوریل ۱۹۸۶ نتوانست این مجلد را تکمیل کند، مجلد حاضر بی‌تردید مطالبی را در بر می‌گیرد که او اگر بود آن‌ها را قلم می‌گرفت و چه‌بسا مطالب دیگری را از قلم می‌اندازد که او اگر بود آن‌ها را به کتاب می‌افزود. خطاهای اندکی که باقی مانده است از بررسی دقیق او پنهان نمی‌ماند. با توجه به علائق خودم، این کتاب احتمالاً مطالبی درباره زبان، منطق، افلاطون‌گرایی و علوم خفیه<sup>۴</sup> را شامل می‌شود که چه‌بسا از آنچه ممکن بود در بر بگیرد بیشترند و شاید مطالب کمتری درباره فلسفه طبیعی در خود می‌گنجاند.

پیش‌نویس چارلز حاوی مطالب اندکی درباره تاریخ‌نگاری معاصر بود. او احتمالاً این موضوع را برای فصل آخر در نظر گرفته بود که برای آن جز یک عنوان چیزی به جا نگذاشت.<sup>۵</sup> متن فعلی مطالب مفصلی درباره تاریخ فلسفه در اوایل عصر مدرن به منزله شالوده تصویر مرسوم معاصر به دست می‌دهد، اما جز ذکر شمار اندکی از بنیان‌گذاران تحقیقات مربوط به عصر رنسانس - بورکهارت<sup>۶</sup>، کاسیرر<sup>۷</sup>، واربورگ<sup>۸</sup>، کریستلر - مطلب دندان‌گیری درباره پژوهش قرن بیستم در این حوزه بیان نمی‌دارد. از فلسفه قرن بیستم در فصل پایانی بحث می‌شود. در این فصل پیشنهادهایی معدود درباره پیوندهایی با اوایل عصر مدرن داده می‌شود که ممکن است برای دانشجویان معاصر فلسفه جالب نظر باشد. کتابنامه مجموعه جامع یا حتی گویایی از آثار جنبی ناظر به فلسفه عصر رنسانس نیست، بلکه فهرست آثاری است که در نگارش این کتاب نقش اساسی داشته‌اند، اما آشنایی کتاب‌شناختی عامی نیز در

1. Averroist
2. Cicero
3. authorities
4. occultism
5. Schmitt (1989: ch. 15)
6. Burckhardt
7. Cassirer
8. Warburg

باب اندیشمندان و مسائل مهم تر به دست می‌دهد. به هیچ وجه نکوشیده‌ایم انبوه تحقیقات کارشناسانه در باب فلسفه عصر رنسانس را فهرست کنیم. اگرچه بخش اعظمی از بهترین آثار درباره این دوره همچنان به زبان‌های اروپای قاره‌ای منتشر می‌شوند، کتابنامه بر آثاری انگلیسی تأکید می‌کند که در دسترس طیف وسیعی از خوانندگان قرار دارند، البته در جایی که چنین آثاری موجود و در دسترس باشند. کتابنامه‌ای نسبتاً روزآمد برای استفاده تخصصی تر در تاریخ فلسفه عصر رنسانس کمبریج مندرج است که در سال ۱۹۸۸ به سردبیری چارلز اشمیت و همراهی کوئنتین اسکینر، اکهارت کسلر و جیل کرای منتشر شده است. یادداشت‌ها ارجاعاتی مستقیم به منابع اصلی و نقل قول‌هایی اندک از تحقیقات جنبی به دست می‌دهند؛ نیز به وجهی وسیع تر نه تنها به آثار جنبی‌ای که این کتاب بر آن‌ها مبتنی است بلکه به طیف گسترده تری از منابع که به نظر خواننده چه بسا سودمند برسند ارجاع می‌دهند؛ به عبارت دیگر، ترکیب یادداشت‌ها و کتابنامه چه بسا عزیزمگاهی باشد برای خواننده‌ای که مایل است درباره شخصیت‌ها و جنبش‌های عمده مورد بحث در کتاب مطالب بیشتری بیاموزد. بدیهی است دامنه کتاب و مقررات مجموعه مانع از آن می‌شوند که تفسیرها و تعلیقات مبسوط و منظومه‌واری درباره آثار جنبی بی‌شماری به دست داده شود که فرایشت هر تلاشی از این دست قرار دارند. برخی از بخش‌ها تفسیرهایی از محققان معاصر مستقل - مونفاسانی<sup>۱</sup> در باب تراپزونتوس، واتس<sup>۲</sup> در باب کوسانوس، نورنا<sup>۳</sup> و پاگدن<sup>۴</sup> در باب بیوس<sup>۵</sup> و ویتوریا<sup>۶</sup> و غیره - را در خود هضم کرده‌اند، اما غالب دین‌ها پراکنده‌ترند، دین‌هایی به شمار بیشتری از ادبا که چارلز یکی از اعضای بسیار گران‌قدر آن بود. در دو فصل نخست که به نزدیک‌ترین وجه از دست‌نویس چارلز پیروی می‌کنند باید از محققانی که کارشان شاید مورد عنایت قرار نگرفته باشد به طور ویژه پوزش طلبید. چارلز به همراه دست‌نویس خود هیچ یادداشتی به جا نگذاشت و بی‌تردید قصد بیان سیاسگزاری‌هایی را داشته است که من از قلم انداخته‌ام.

فیلسوفان رنسانس عمدتاً به زبان لاتینی قلم می‌زدند. متون یونانی‌ای که این فیلسوفان به زبان لاتینی ترجمه کردند منابع اصلی الهام فلسفی بودند. نقش زبان لاتینی و یونانی

1. Monfasani
2. Watts
3. Noreña
4. Pagden
5. Vives
6. Vitoria

علی‌الخصوص زمانی پیچیده و مسئله‌آفرین شد که اندیشمندان اوایل عصر مدرن دربارهٔ زبان و منطق دست به فلسفه‌ورزی زدند، به طوری که زبان‌های باستانی، به ویژه زبان لاتینی، به موضوعات اصلی تحلیل فلسفی مبدل شدند، آن هم غالباً به وجهی جدایی‌ناپذیر از پژوهش‌های ناظر به دستور زبان و خطابه. در دو یا سه مورد که طرز بیان اصلی صبغهٔ انتقادی دارد، متون لاتینی را بازتولید و نیز ترجمه کرده‌ام. در سایر موارد، ترجمهٔ عبارت‌هایی را که در اصل به زبان‌های خارجی نگارش یافته‌اند قید کرده‌ام، ترجمه‌هایی که از آن خودم هستند مگر مواردی که در یادداشت‌ها به آن‌ها اشاره شده است. کلمات یونانی با الفبای انگلیسی حرف‌نگاری شده‌اند و در آن‌ها «ا» در ازای اوپسیلون، «ه» در ازای اتا و «و» در ازای اُمگا آمده است. با فرض اینکه کتاب خوانندگانی بسیار دارد، از شیوهٔ کوتاه‌نویسی متعارف برای متون کلاسیکی که ترجمهٔ عناوین کامل آن‌ها در یادداشت‌ها آمده است استفاده نکرده‌ام. از آنجا که آثار مهم عصر رنسانس غالباً با عناوین لاتینی آن‌ها شناخته می‌شوند معمولاً عنوان اصلی را در سطور اندکی از ترجمهٔ اثر مربوط یا با نشانهٔ معنایی دیگری به دست داده‌ام. هرگاه مسائل تخصصی مطرح می‌شوند - برای مثال، در بحث دربارهٔ قیاس‌ها و سایر مسائل منطقی - کوشیده‌ام پس‌زمینهٔ اندکی که حتی‌المقدور به بند مورد نظر نزدیک است قید کنم، ولی هرگاه ارجاع به بخش دیگری از کتاب به طور ویژه اهمیت داشته است، عبارت «بنگرید به ادامه» در متن از طریق یادداشت متعاقب، به مطالب مقتضی منتهی می‌شود. تواریخ زندگی و مرگ اشخاص تاریخی در نمایه قید شده است.<sup>۱</sup> بخش اعظمی از کتاب بر اساس موضوع مرتب شده است نه بر اساس ترتیب تاریخی. با این حال، هر فصل به جز فصل نخست و فصل پایانی کمابیش مطابق با ترتیب تاریخی است، هرچند خواننده در جایی که مضمون به جای شخصیت به اصل سازمان‌دهندهٔ عمده مبدل می‌شود به پاره‌ای وارونگی‌ها (کوسانوس و پیکو، والا و بیوس، مور و ماکیاولی) و وقفه‌ها (برونو) پی خواهد برد.

عده‌ای کل یا بخشی از نسخهٔ ماشین‌شده را در مراحل گوناگون شکل‌گیری آن خوانده یا شنیده‌اند و بر ذمهٔ من است که از آن‌ها سپاسگزاری کنم: مایکل آلن، ربکا کوپنهاور، کارل کرانور، دیوید گلیدن، ادوارد گاسلین، راسل جکوبی، پیر کالر، جیل کرای، پل کریستلر، جان مونفاسانی، ریچارد پاپکین، الکس روزنبرگ، ننسی سیرسی.<sup>۲</sup> کاترین کلارک با تخصص

۱. در ترجمهٔ فارسی این تواریخ را در نمایه قید نکرده‌ام - م.

2. Michael Allen, Rebecca Copenhaver, Carl Cranor, David Glidden, Edward Gosselin, Russell Jacoby, Pierre Keller, Jill Krave, Paul Kristeller, John Monfasani, Richard Popkin, Alex Rosenberg, Nancy Siraisi

فراوانش کتاب را در اختیار آکسفورد گذاشت. فرزندانم، گرگوری و ربکا، و به ویژه همسرم، کتلین، همواره با صبر و درک فراوان حامی تحقیقات و تألیفاتم بوده‌اند و من فقط می‌توانم امیدوار باشم که آن‌ها حاصل کار را به نحوی از انحا نتیجهٔ بسندهٔ مشارکت حیاتی‌شان در این اثر بدانند.

بی. پی. سی.، دانشگاه کالیفرنیا، ریورساید، ۲۵ اوت ۱۹۹۰